همین صفحه

هیچ حمایتی از ساخت فیلم‌های دفاع مقدس نمی‌شود

علی عطشانی | کارگردان

ما برای زنده نگه‌داشتن «دفاع مقدس»، این مقطع تاریخی مهم از حیات کشورمان هم نیاز به فیلم‌هایی داریم که به خود واقعه جنگ و آن چیزی که در این ۸ سال اتفاق افتاد، بپردازد و هم نیاز به آثاری داریم که با نگاهی به روز تر و در قالب امروزی به تبعات جنگ بپردازد. ما باید به هر دو گونه این آثار نگاه ویژه داشته باشیم، خصوصا برای جوانان امروز که جنگ را تجربه نکرده‌اند...

۱۲

ساخت فیلم‌های بی‌کیفیت به دفاع مقدس آسیب می‌رساند

مهرداد صدیقیان | بازیگر

هشت سال دفـاع مقدس یـکی از ارزشمندترین گنجینه‌های ما است و حیف است که به مرور زمان این گنجینه با ارزش را از دست بدهیم. به‌نظرم تئاتر، سینما و تلویزیون می‌توانند به حفظ این ارزش برای نسل آینده بسیار کمک کنند و تأثیر زیادی داشته باشند. ساخت آثار باکیفیت هم می‌تواند اهمیت بالایی آن را نشان دهد...

پرونده‌ای در نقد و آسیب‌شناسی سینمای دفاع مقدس

خمپاره را فراموش کن!

با حضور: بابک حمیدیان، منوچهر محمدی، مجتبی راعی، محمدعلی باشه آهنگر، حسن برزیده و همایون اسعدیان

مجتبی راعی
کارگردان

سینمای دفاع مقدس به دلیل این که در بستر جنگ شکل گرفت شروع خوبی داشت و درمجموع تصویر خوبی از جنگ ایجاد کرد یعنی اگر کسی فیلم‌های جنگی را ببیند تصوری از جنگ پیدا می‌کند که این تصور نه‌تنها غلط نیست بلکه بسیار نزدیک به حال و هوای آن روزهای جبهه و جنگ است اما در این بین مشکل این است که چرا این مسیر آن طور که لازم بود ادامه پیدا نکرد. شاهد این ماجرا هم این است که اگر بخواهیم از فیلم‌های تأثیرگذار سینمای جنگ نام ببریم به این نکته می‌رسیم که بهترین آثـار جنگ متعلق به دهه شصت و هفتاد است. حال این سؤال ایجاد می‌شود که چرا این روند سیر نزولی داشته است. ممکن است در حال حاضر به لحاظ پروداکشـن کارهای خوبی در سینمای جنگ ساخته شـود اما آن سینمای موثری که قلب مخاطب را مورد هدف قرار می‌داد و می‌توانست حتما یک فیلم دفاع مقدس دیگر می‌ساختیم ولی می‌دانم با توجه به شرایطی که برای ساخت فیلم دفاع مقدس فراهم نیست، سرمایه‌گذاری جلو نمی‌آید به همین دلیل نمی‌توانیم به این سـمت برویم، والا این آرزوی من اسـت که روزی بتوانیم یک فیلـم دیگر همانند «دموکراسی توی روز روشن» بسازیم. چون آن فیلم را خیلی دوست دارم، به این دلیل که فیلمی کاملا دینی است و نگاه متفاوتی به مقوله جنگ دارد. البته من بعد از «دموکراسی توی روز روشن»، یک فیلم دیگر به‌نام «فرمانده» در همین ژانر برای شبکه دو ساختم که بابت آن فیلم خیلی جایزه گرفتم و فکر می‌کنم هر سال در روز عاشورا تلویزیون آن را بازپخش می‌کند.

جالب اینجاسـت کـه فیلم‌های دفاع مقدسـی مخاطب خـودش را هـم دارد. من ایـن موضوع را بـه عین در بازخوردهایی کـه از مخاطبان آن فیلم در شبکه‌های اجتماعی می‌گرفتـم، دیـدم ولـی بـه نظرم آن‌قـدر که باید و شـاید دوسـتانمان به این سـینمای دفاع‌مقـدس کمـک نکرده و ساخت فیلم دفاع‌مقدس فقط در حـد یـک شـعار، برگزاری برنامه‌هـای رونـین و در حـد حرف باقـی مانده اسـت. حالا شماهمین را به فیلمنامه‌نویسان ما تعمیم بدهید، آنها چه‌دلیل دارند که به سراغ نوشتن فیلمنامه در زمینه دفاع‌مقدس بروند، وقتی بستر تولیدش فراهم نیست. دلیل اصلی این که بعد از فیلم «دموکراسـی توی روز روشـن» نتوانسـتم فیلم دیگری در این زمینه کار کنم، نبود فیلمنامه دفاع مقدسی است که مرا جذب کند. واقعا اگر یک فیلمنامه خوب مثل «دموکراسی توی روز روشن» پیدا کنم که اسـتانداردهای لازم را برای یک فیلم‌سینمایی داشته باشد و من هم بتوانم توانایی‌هایم را در سـاخت آن نشـان دهم، مطمئن باشید روی هوا آن فیلمنامه را می‌قاپم و حتی سعی می‌کنم با وجود شرایط سخت تولید، خودم مقدمات تولیدش را فراهم کنم ولی فیلمنامه خوب در زمینه دفاع مقدس وجود ندارد. من همین جا اعلام می‌کنم هر کسی که فیلمنامه خوب با استانداردهای لازم در زمینه دفاع مقدس داشته باشـد، من شخصا از او آن را خواهم خرید و تولیدش می‌کنم ولی در حال حاضر دچار کمبود هستیم، هر هفته حدود ۲۰ فیلمنامه به دست من می‌رسد یا برای دفترم ارسال می‌کنند که به‌صورت میانگین شاید یک یا دو تا از این فیلمنامه‌ها با موضوع دفاع مقدس باشـند. امـا این فیلمنامه‌ها پتانسیل فیلم‌سینمایی شدن را ندارند.

> **این آرزوی من است که روزی بتوانم یک فیلم دیگر همانند «دموکراسی توی روز روشن» بسازم. چون آن فیلم را خیلی دوست دارم، به این دلیل که فیلمی کاملا دینی است و نگاه متفاوتی به مقوله جنگ دارد**

شاید بخشی از این ماجرا به ادبیات دفاع مقدس برگردد، این که این ادبیات به درستی مدیریت نشده اسـت و بخش دیگری از این کمبود به دلیل دوری فیلمنامه‌نویسان ما از زمانه‌گان جنگ باشد. چون بسیاری از فیلمنامه‌نویس‌های حرفه‌ای امروز ما از نسل جوانی هستند که جبهه و جنگ را تجربه نکردند و طبیعی است که آنها برای نوشتن و ایجاد حرفه در ذهن‌شان نیاز به نزدیکی و همفکری با کسـانی دارند که جبهه و جنگ را تجربه کردند و این تعامـل وجود ندارد. فیلمنامه‌نویسـان خوب امروز ما نزدیک به ۳۵ تا ۴۰ سال دارند پس معلوم می‌شـود که جنگ را تجربه نکرده‌انـد یا در زمان جنگ سن‌وسال کمی داشته‌اند، بنابراین چطور ما می‌توانیم از آنان توقع داشته باشیم که درباره جنگ فیلمنامه بنویسند؟ ایجاد برنامه‌ای برای معاشرت این دو گروه، یعنی فیلمنامه‌نویسان و بازماندگان از جنگ یکی از آن سیاسـت‌گذاری‌هایی اسـت که می‌تواند صورت بگیـرد و هزینه‌ای هم ندارد. واقعا دفاع‌مقدس ما سرشـار از ایـده و طرح‌های خوب اسـت اما شـاید خیلی از فیلمنامه‌نویسـان خوب ما که امکان نوشـتن از روی آن ایده‌ها را دارند این ایده‌هـا را نمی‌دانند. باید خاطـرات بازماندگان از جنگ که همچون گنجی گران‌بهـا با آنها حمل می‌شود به فیلمنامه‌نویسان منتقل شود یا در جبهه درسـت ثبت و ضبط شود تا بشود از روی خاطرات آنها فیلم‌های خوبی ساخت. اگر با همین فرمولی که در حال حاضر داریم جلو می‌رویم، پیش برویم همزمان با تمام شدن بازماندگان جنگ همچون اسیران، جانبازان، مادران شـهدا و... که خاطرات جنگ را بـا خودشـان دارند، فیلم‌هـای خوب و شاخص در حیطه دفاع‌مقدس هم تمام می‌شود.

ادامه در صفحه ۱۱

یادداشت

پرسش‌هایی که برای پاسخ گفته بی‌تاب شده‌اند

مریم نراقی
دبیر سرویس فرهنگ و هنر

۱

بیش از دو دهه از پایان جنگ هشـت ساله ایـران و عـراق می‌گذرد. هشـت سـالی که فرزندان دهه‌هـای مختلف این سـرزمین را تحت تأثیـر قرار داده اسـت. آن‌ها که نسـل اول محسـوب می‌شـدند همان‌هایـی بودند که چندی بعـد از پیروزی انقـلاب و با حمله عراق به ایران پشـت به زندگی و جوانی‌شـان کردند و عازم جبهه‌های جنگ شـدند. آن‌ها همان‌هایی بودند که شـهید شـدند، اسیر و جانباز و مفقودالاثر. نسـل بعدی اما فرزندانی بودند که آن‌هـا هم به نوعـی در بطن جنگ حضور داشتند، همان کم که پدران‌شان در جبهه‌ها می‌جنگیدند آن‌ها زیر موشـک‌باران همه نوع دلهـره را تجربه کردند. برخی‌شـان فرزند شهید شـدند و برخی‌شان سال‌هاست که از پدر جانبازشان نگهداری می‌کنند. در این میان اما نسـل دیگری نیز در این کارزار سهم بزرگی داشـت. پدر و مادران نسـل اولی‌هایی که هشـت سـال زیر لب برای رزمندگان دعا کردند، نظارهگر فرزندان‌شـان بودند زمانی که به جبهه اعزام می‌شـدند. سال‌ها چشم‌انتظار بودند، چشم‌انتظاری برخی‌شان پایان داشت و عده‌ای‌شـان تا بد چشـم به در دوختند و با رویای بازگشـت فرزندشـان عمر گذراندند. بی‌شـک هرکدام‌شـان تاریخچـه اسـراری بودند. خیلی از آن‌ها دیگر نیسـتند و رازهای بی‌شماری را تا ابد برای خودشان نگه داشتند. خاطراتـی که کاش می‌شـد تک‌تک‌شـان را شـنید و مکتوب کرد و برای نسل‌های آینده به یادگار گذاشت. اما شـاید هنوز هم فرصت باشد، هنوز هم ناشنیده‌های فراوانی هست که می‌شود شـنید و مکتوب کرد. کار تحقیقاتی می‌خواهد. باید فرصت را غنیمت شـمرد پای صحبت‌های نسل اولی‌ها نشست. رزمندگان جوان آن روزها که امروز موی سـپید کرده‌اند و هر کدام جایی در گیـر روزمرگی زندگی‌اند. خیلی‌هاشـان کنج آسایشـگاه‌ها هستند اما همه‌شـان گنجینـه خاطراتـی هسـتند که می‌تواند میراثی باشد برای نسل‌های آینده.

۲

فیلمسازان بسـیاری از همان سال‌های آغازین جنگ دوربین به دست گرفته و از اتفاقات جبهه و جنـگ فیلم سـاختند، فیلم‌هایی کـه امروز دارای ژانری به نام دفاع مقدس هستند. به تبع شـرایط موجود جنگ در آن روزها بسـیاری از فیلم‌ها مضمون تهییجی داشـت برای تقویت روحیه رزمندگان و خانواده‌های‌شـان در یک دفاع تمام عیـار ملی. فیلم‌هایی قابـل دفاعی از روزهای جنگ تولید شده و در آرشیو سینمایی ما باقی مانده است. حالا اما سـال‌ها از آن زمان می‌گذرد، از روزهای توپ و موشـک و خمپاره. جنگ تمام شده اسـت و مصائب اجتماعی آن همچنان وجـود دارد. اما نکته این جاسـت که سهم فیلم‌سازان و مسـئولان سینمایی کشور در به تصویر کشـیدن سـینمای بعد از جنگ چیسـت؟ در به تصویر کشیدن مصائب خانواده شهدا، جانبازان، اسـرا و مفقودین. اسرایی که بعد از بازگشت به وطن کانون خانواده‌شان از هم پاشیده شده بود، جانبازانی که مدت‌هاست در آسایشگاه‌ها چشم‌انتظار آن هستند که کسانی به دیدارشـان بیایند، زنان و فرزندان شهدایی که از مهر همسـر و پدر بی‌نصیب ماندند و یک تنه بار مشـکلات زندگی را به دوش کشـیدند. حقایقی کـه وجـود دارد و قابل انکار نیسـت. واقعیت‌های بی‌شـماری از پیامدهـای پس از جنگ وجود دارد که هر گز تصویر نشـده است و حتی مکتوب هم نشده است. شاید مهم‌ترین دلیلش این باشـد کـه عـده‌ای پرداختن به این واقعیت‌هـا را سـیاه‌نمایی می‌دانند همان‌طور که چندی پیش یکی از فیلمسازان دفاع مقدس فیلـم «گیلانه»، خشـان بنی‌اعتماد را متهم به سـیاه‌نمایی کرده بود. وقتی از فیلمسـازان دفاع مقدسـی سـؤال می‌کنیم که چرا سراغ مصائب اجتماعی بعـد از جنـگ نمی‌روند و می‌گویند نمی‌شـود سراغ این سـوژه‌ها رفت، راه سـختی اسـت و اغلب فیلم‌نامه‌ها تصویب نمی‌شـود. پرونده پیش رو به بهانه هفته دفاع مقدس به این موضوع پرداخته اسـت. این که آیا سینمای جنگ و موضوعات پیرامون آن قرار است در همان دهه‌های شصت و ابتدای هفتاد متوقف شود؟ یا قرار اسـت در اثر سـهل‌انگاری و مناسـبات سیاسـی از خاطرات بازماندگان نسل جبهه و جنگ‌مان چشـم بپوشـیم و آن‌ها را با خاطرات‌شان رها کنیم؟ و در نهایت این که چه تصویری از جنگ و اتفاقـات بعد از آن برای نسل‌های بعد باقی خواهیم گذاشت؟